



تشییع پیکر برادر مصطفی تاج‌زاده

مراسم تشییع پیکر سیدمحمد تاج‌زاده، برادر سیدمصطفی تاج‌زاده، صبح دیروز از مسجد حضرت ابوالفضل (ع) به سمت بهشت زهرا (س) برگزار شد. در این مراسم چهره‌های سیاسی از جمله محمدرضا خاتمی، محسن میردامادی، غلامحسین کرباسچی، فیض‌الله عربسرخی، آذر منصوری، حسین نورانی‌نژاد، هادی خانیکی، غلامرضا انصاری، عبدالله مومنی، محمدجواد مظفر و ... حضور داشتند و عبدالله نوری بر پیکر محمد تاج‌زاده نماز اقامه کرد.



نباید حق هیچ فرد و حزبی ضایع شود

اسکندر مومنی، وزیر کشور در سومین نشست معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری‌ها با گرامیداشت یاد شهیدان به‌ویژه شهدای دفاع مقدس ۱۲ روزه، مهمترین دلیل ناکامی دشمن در رسیدن به اهدافش را در کنار مجاهدت‌های نیروهای مسلح کشور، حضور مردم و همبستگی ملی دانست و گفت: «مهمترین وظیفه ما حفظ و ارتقاء انسجام ملی است. از هر اقدامی که به همبستگی ملی خدشه وارد می‌کند، باید پرهیز شود.» وی با قدردانی از دست‌اندرکاران انتخابات اردیبهشت سال آینده، گفت: «در گذشته انتخابات الکترونیک در چند شهر برگزار شده است، اما در تلاشیم با همکاری سایر دستگاه‌ها به‌ویژه شورای نگهبان با فراهم شدن زیرساخت‌های لازم، انتخابات تمام‌الکترونیک در کل کشور برگزار شود که دستاورد بزرگی خواهد بود.» وزیر کشور صحت، دقت و سرعت را سه ویژگی انتخابات الکترونیکی برشمرد و اضافه کرد: «در این دوره احراز هویت و اخذ و شمارش رأی به‌صورت الکترونیکی انجام می‌شود. اجرای موفق انتخابات الکترونیکی شوراها می‌تواند زمینه‌ساز برگزاری انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری به همین شیوه باشد. وزارت کشور با سایر دستگاه‌های مرتبط با انتخابات از جمله شورای نگهبان و دستگاه‌های نظارتی و امنیتی، در همه مراحل تعامل بسیار خوبی دارد.» مومنی برگزاری انتخابات تناسبی در تهران را بسیار با اهمیت دانست و گفت: «در انتخابات تناسبی همه احزاب و تشکلهای می‌توانند نقش فعال داشته و به همان میزانی که از مردم رأی می‌گیرند در شورا کرسی داشته باشند؛ این روش می‌تواند به افزایش مشارکت مردم در انتخابات منجر شود.» وی همچنین مردم، احزاب و تشکلهای و مجریان را از مهمترین ارکان برگزاری انتخابات مناسب دانست و افزود: «برخلاف برخی کشورها مشارکت در انتخابات در ایران اختیاریست و وظیفه دست‌اندرکاران انتخابات فراهم کردن زمینه مشارکت گسترده مردم است. مشارکت بیشتر مردم در انتخابات می‌تواند تقویت مؤلفه‌های قدرت ملی را به‌همراه داشته باشد. مردم با امید، انگیزه و نگاه به آینده در انتخابات شرکت می‌کنند و ما باید فضایی را فراهم کنیم که مردم احساس کنند رأی‌شان اثرگذار است.» وزیر کشور با تأکید بر اینکه احزاب، تشکلهای و جریان‌های سیاسی نقش مهمی در ایجاد انگیزه در مردم برای حضور در انتخابات دارند، عنوان کرد: «ما به عنوان وزارت کشور باید فرصت برابر و منصفانه برای فعالیت همه احزاب فراهم کنیم و نباید فرقی داشته باشد که کدام حزب رأی می‌آورد.» مومنی اضافه کرد: «در برگزاری انتخابات نباید حق هیچ فرد و حزبی ضایع شود، مردم به سحت انتخابات به عنوان میراث انقلاب و امام راحل اعتماد دارند و باید تلاش کنیم از همه جریان‌های سیاسی در انتخابات حضور داشته باشند تا مردم بتوانند متناسب با نگاه و سلیقه‌شان فرد و جریان سیاسی مورد نظرشان را انتخاب کنند.»

قانون سوم احزاب

بازخوانی روند قانون احزاب در تاریخ سیاسی ایران و اقدام جدید وزارت کشور



جلسه وزیر کشور با خانه احزاب

در فصل دوم این قانون که به حقوق گروه‌ها مربوط بود، دو ممنوعیت قرار داده شده بود. در ماده ۶ آمده بود: «فعالیت گروه‌ها آزاد است مشروط بر این که مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده (۱۶) این قانون نگردند.» اما آنچه در ماده ۱۶ آمده بود، به این شرح است: «گروه‌های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت‌های دیگر خود از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند: الف- ارتکاب فعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود. ب- هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضع با سفارتخانه‌ها، نمایندگی‌ها، ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد، ج- دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان. د- نقض آزادی‌های مشروع دیگران. ه- ایراد تهمت، افتراء و شایعه‌پراکنی. و- نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح‌ریزی برای تجزیه کشور. ز- تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نزادی موجود در جامعه ایران. ح- نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی، ط- تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضر، ی- اختفاء و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیرمجاز.» در ماده ۷ آن قانون هم محدودیت دیگری عنوان شده بود. در این ماده آمده بود: «کلیه اعضای ساواک منحل، فراماسون‌ها، کسانی که در فاصله ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۲ تیر بهمن ۱۳۵۷ به وزارت رسیده و یا به عضویت مجالس شورای ملی یا سنا درآمده‌اند، اعضای مؤثر رژیم سابق و حزب رستاخیز و اعضای گروهک‌های غیرقانونی محارب و ضدانقلاب به تشخیص مراجع ذی صلاح ب- محکومان به جرائم ضدامنیت داخلی و خارجی کشور، ب- مظنونان به جاسوسی حسب تشخیص وزارت اطلاعات یا سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تا قبل از صدور حکم برائت از دادگاه صالح. ت- متجاهران به فسق و فجور، مشهوران به فساد و قاچاقچیان با استعلام از دستگاه قضائی و نیروی انتظامی، ث- کسانی که به موجب احکام قطعی دادگاه‌ها از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند، ج- اعضای مؤثر احزاب منحل شده‌ای که در زمان انحلال عضو مؤثر باشند و انحلال حزب‌شان به حکم دادگاه و به دلیل ارتکاب جرم بوده است، به مدت پنج سال، چ- قضات و کارکنان شاغل وزارتخانه‌های اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و همچنین پرسنل شاغل در نیروهای نظامی و انتظامی و سایر افرادی که طبق قوانین از عضویت در احزاب و تشکلهای سیاسی محروم شده یا می‌شوند.»

تغییر دیگری که در قانون سال ۹۴ اعمال شده بود، درباره ترکیب کمیسیون ماده ۱۰ بود. در قانون سال ۶۰، اعضای کمیسیون ماده ۱۰



فرهاد فخرآبادی
خبرنگار گروه سیاست

مشخص نیست
وزارت کشور چه
تصمیمی درباره
احزاب کم‌کار و بعضاً
بیکار ثبت‌شده خواهد
گرفت و آیا قرار است
نگاه‌ها به احزاب و
گروه‌هایی که فعالیت
دائمی دارند با احزابی
که خودشان را در
حاشیه قرار داده‌اند
یکسان باشد؟

الزام دیگری که در این قانون برای احزاب قرار داده شده بود، در ماده ۱۴ مورد اشاره قرار گرفت. جایی که آمده بود: «گروه‌های



نگاه
اصلاح طلب

سیاست بدون حزب، دولت بدون پشتوانه



علی ابراهیمی
معاون اجرایی دبیرکل حزب
ندای ایرانیان

در نظام‌های سیاسی که انتخابات بر پایه رقابت میان احزاب است، رأی مردم به برنامه‌ها داده می‌شود نه به چهره‌ها. در ایران اما، با وجود تصویب «قانون فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» در سال ۱۳۹۴، سیاست همچنان فردمحور باقی مانده است. این قانون که می‌خواست سازوکار شکل‌گیری احزاب را ضابطه‌مند کند، ناخواسته به مانعی اداری تبدیل شده است.

ریشه‌ی این نارسایی در دو مرکز اصلی است: شورای نگهبان و وزارت کشور. هر دو نهاد با نیت حفظ ثبات سیاسی شکل گرفته‌اند، اما عملکردشان در عمل مانع رقابت و نهادسازی حزبی شده است.

شورای نگهبان و بحران رقابت واقعی

طبق اصل ششم قانون اساسی، امور کشور باید با اتکا به آرای عمومی اداره شود. اما تفسیر شورای نگهبان از نظارت استصوابی موجب شده حضور احزاب در انتخابات عملاً به قاب تماشاگران سیاسی محدود شود. درحالی‌که قانون

متقاضی پروانه باید در اساسنامه و مرامنامه خود صراحتاً التزام خود را نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان کنند.»

قانون دوم

۳۴ سال پس از اینکه اولین قانون احزاب ایران به تصویب رسیده بود، دولت یازدهم برای انجام اصلاحات در قانون احزاب اقدام کرد و در تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۹۴، مجلس نهم این قانون را به تصویب رساند؛ قانونی که مشتمل بر ۲۳ ماده و ۴۸ تبصره بود و اضافات مهمی به آن افزود. شد.

اولین تغییر اعمال شده در این قانون، مربوط به اسم قانون بود که به «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» تغییر پیدا کرد. تغییر دیگری که در این قانون به‌وجود آمده بود، درباره صدور پروانه برای احزاب بود. در قانون مصوب سال ۶۰، زمانی برای بررسی درخواست صدور پروانه توسط کمیسیون قرار داده نشده بود اما در قانون جدید، فرصتی سه‌ماهه برای کمیسیون قرار داده شد تا به درخواست صدور پروانه احزاب رسیدگی کنند.

اما تغییر مهمی که در این قانون ایجاد شده بود، مربوط به فصل دوم درباره تأسیس احزاب بود. در قانون سال ۶۰ آمده بود که احزاب باید در مرامنامه و اساسنامه خود صراحتاً التزام به «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» را ذکر کنند اما در تبصره ۴ ماده ۲ قانون مصوب سال ۹۴ یک عنوان دیگر هم اضافه شده و آمده است: «احزاب متقاضی پروانه باید در مرامنامه و اساسنامه خود صراحتاً التزام خود را نسبت به قانون اساسی و اصل ولایت مطلقه فقیه اعلام دارند.» موضوعی که البته در بندهای دیگر هم دیده می‌شود و شامل اعضای شورای مرکزی و عضوهای عادی احزاب هم می‌شود. در ماده ۴ قانون فعلی که درباره شرایط متقاضیان تأسیس حزب و عضویت در حزب است، ۵ شرط برای هیات موسس قرار داده شده و ۴ شرط را هم باید اعضا داشته باشند که ۳ مورد مشترک آن «اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه؛ داشتن تابعیت ایرانی و عدم سوءبیشینه کیفری مؤثر» است. در کنار آنها، شرط سنی حضور در هیات موسس حداقل ۲۵ سال و برای عضویت در حزب حداقل ۱۸ سال قرار داده شده است. ضمن اینکه درباره هیات موسس یک شرط دیگر هم قرار داده شد که «داشتن حداقل مدرک کارشناسی یا معادل آن» بود.

یکی دیگر از تغییرات مهمی که قانون سال ۹۴ داشت، مربوط به محرومان از فعالیت بود. در حالی که قانون سال ۶۰ هیچ فرد ایرانی را از حضور در احزاب به صورت عضو عادی ممنوع نکرده بود؛ در قانون سال ۹۴ مصادیقی تعیین شده بود که افرادی که در آن حضور داشته باشند، حتی به صورت عضو عادی هم نمی‌توانند فعالیت حزبی کنند. براساس ماده ۵ این قانون، لیست افرادی که حتی اجازه عضویت در احزاب ندارند به این شرح است: «الف- کلیه اعضای دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم طاغوت، ساواک منحل، فراماسون‌ها، کسانی که در فاصله ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۲ تیر بهمن ۱۳۵۷ به وزارت رسیده و یا به عضویت مجالس شورای ملی یا سنا درآمده‌اند، اعضای مؤثر رژیم سابق و حزب رستاخیز و اعضای گروهک‌های غیرقانونی محارب و ضدانقلاب به تشخیص مراجع ذی صلاح ب- محکومان به جرائم ضدامنیت داخلی و خارجی کشور، ب- مظنونان به جاسوسی حسب تشخیص وزارت اطلاعات یا سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تا قبل از صدور حکم برائت از دادگاه صالح. ت- متجاهران به فسق و فجور، مشهوران به فساد و قاچاقچیان با استعلام از دستگاه قضائی و نیروی انتظامی، ث- کسانی که به موجب احکام قطعی دادگاه‌ها از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند، ج- اعضای مؤثر احزاب منحل شده‌ای که در زمان انحلال عضو مؤثر باشند و انحلال حزب‌شان به حکم دادگاه و به دلیل ارتکاب جرم بوده است، به مدت پنج سال، چ- قضات و کارکنان شاغل وزارتخانه‌های اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و همچنین پرسنل شاغل در نیروهای نظامی و انتظامی و سایر افرادی که طبق قوانین از عضویت در احزاب و تشکلهای سیاسی محروم شده یا می‌شوند.»

تغییر دیگری که در قانون سال ۹۴ اعمال شده بود، درباره ترکیب کمیسیون ماده ۱۰ بود. در قانون سال ۶۰، اعضای کمیسیون ماده ۱۰

که احزاب بتوانند فهرست‌های رسمی و پاسخ‌گو ارائه دهند، گام نخست در بازسازی اعتماد عمومی است.

وزارت کشور و بوروکراسی بازدارنده

قانون فعلی احزاب به‌ویژه در مواد ۲، ۶، ۱۰ و ۱۸ باید بازنگری شود:

■ ماده‌ی ۲ باید از منطق مجوزمحوری به نظام ثبت اطلاع‌رسانی تغییر یابد. وزارت کشور نباید داور مشروعیت سیاسی باشد؛ صرفاً ثبت‌کننده‌ی فعالیت‌هاست.

■ ماده‌ی ۶ در تعیین شرط مجمع ۳۰۰ نفره در نیمی از استان‌ها، تشکیل احزاب نوپا را تقریباً ناممکن کرده است. باید مسیر رشد تدریجی و منطقه‌ای گشوده شود.

■ ماده‌ی ۱۰ (کمیسیون احزاب) باید با ترکیب وسیع‌تری از نمایندگان احزاب و حقوق دانان مستقل بازتعریف گردد تا تصمیم‌ها رنگ دولتی نگیرد.

■ ماده‌ی ۱۸ با مفاهیم مبهمی چون «اقدام علیه امنیت ملی» یا «ارتباط غیرمجاز با بیگانه»، در تفسیر سلیقه‌ای را باز گذاشته است؛ باید شفاف‌تر و منطبق‌تر با تعاریف قضایی بازنویسی شود.

وزارت کشور در جایگاه فعلی‌اش، حافظ نظم اداری احزاب است نه رشد سیاسی آنها. احزابی که هر تصمیم درون‌سازمانی‌شان باید در وزارت کشور ثبت و تأیید شود، نمی‌توانند نهاد آموزش سیاسی باشند؛ آن‌ها به حلقه‌های وابسته بدل می‌شوند.

سوال کلیدی: چرا باید ساختار احزاب کشور یکسان باشد؟

الزام غیررسمی کمیسیون ماده ۱۰ برای تشابه اساسنامه‌ها و ساختار